



ادبیات نمایشی در ایران

جلد سوم

ملی‌گرایی در نمایش
(۱۳۲۰-۱۳۰۰ ه. ش)

دوران حکومت رضاشاه پهلوی

نوشته‌ی

دکتر جمشید ملک‌پور

استاد نمایش‌شناسی

دانشگاه‌های کرتین، ملی استرالیا، کانبرا، پاسفیک و گلف

۲۰۰۷

سرسانه	: ملک پور، جمشید
عنوان و بدیداور	: ادبیات نمایشی در ایران / نوشته جمشید ملک پور
منتخبات نشر	: تهران: توس، ۱۳۶۳.
مشخصات ظاهری	: ج. مصور، نمونه، عکس
فروسیب	: انتشارات توس: ۶۶۱، ۲۵۳، ۲۵۲
سایک	: (ج. ۲) ۹۶۴-۳۱۵-۲۵۲-۹: (ج. ۳) ۹۶۴-۳۱۵-۶۶۰-۸
یادداشت	: قیبا
یادداشت	: ص. ع. به انگلیسی: Jamshid Malekpour, Drama in Iran
یادداشت	: ج. ۳ (چاپ اول: ۱۳۸۵)
یادداشت	: کتابخانه
مندرجات	: ج. ۱. نخستین کوشش‌ها تا دوره قاجاریه. - ج. ۲. دوران انقلاب مشروطیت. - ج. ۳. ملی‌گرایی در نمایش دوران (۱۳۲۰-۱۳۰۰). - ج. ۴. آغاز سلطنت محمدرضا پهلوی تا کودتای سال ۱۳۲۲ هـ.ش. ج. ۵. سال‌های ۱۳۳۲ هـ.ش تا ۱۳۳۶ هـ.ش - ج. ۶. سال‌های ۱۳۶۶ تا ۱۳۵۷ هـ.ش
موضوع	: نمایشنامه فارسی - ایران - تاریخ و نقد
موضوع	: نمایش - ایران
موضوع	: نمایشنامه نویسان ایرانی
رده‌بندی کنگره	: ۴/الف ۷/م PIR۳۸۲۲
رده‌بندی دیویی	: ۸۱۶۲/۰۰۹
شماره کتابخانه ملی	: ۶۴-۲۹۰۸ م



انتشارات توس

ادبیات نمایشی در ایران

جمشید ملک پور

جلد سوم: ملی‌گرایی در نمایش (دوران حکومت رضاشاه پهلوی)

چاپ اول: ۱۳۸۶

شمارگان: ۳۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: ندای دانش

چاپ: حیدری

شابک: ۹۶۴-۳۱۵-۶۶۰-۵ ISBN 964-315-660-5

شابک دوره ۶ جلدی: ۹۶۴-۳۱۵-۶۵۹-۱ ISBN 964-315-659-1

کلیه حقوق چاپ و انتشار این اثر - به هر صورت - محفوظ و مخصوص انتشارات توس است.

انتشارات توس: تهران، تلفن ۶۶۴۶۱۰۰۷، دورنگار ۶۶۴۹۸۷۴۰ دفتر مرکزی: ۷-۶۶۴۹۱۴۴۵

نشانی اینترنتی www.toospub.com پست الکترونیک: info@toospub.com

«اول نمونه‌های ادبیات نوین ما در تأثر بود که از زمان‌های قدیم شکل کم‌دی و تراژدی آن به طرز علمی و ابتدایی که داشتیم، در میان ما رواج داشته است. جز این‌که نمایش‌های «میرزا جعفر قراچه‌داغی» که اول به زبان ترکی در تغلیس نوشته شده بود (در سده‌ی نوزدهم) نمایش‌های ادبی ما قلمداد می‌شوند: «خان لنگران و مسیو ژوردن» (که نسخه‌های خطی و خیلی قدیمی آن را من خودم در بهجگی خواندم) با مهارت و از روی ذوق رسا و آشنایی به تأثرهای دنیایی ساخته شده‌اند. جادوگری‌های «درویش مستعلی» و کج خلقی‌های «خان لنگران» در میان اهل حرم خود، یک زبان جسور هجوی نسبت به اخلاق صنفی و عمومی است که در ادبیات ما سابقه ندارد. بعدها کم‌دی‌هایی که به توسط نویسندگان متفنی (Amateur) ما بیشتر نوشته شد یک پیروی از این اقدام بود که به تقلید از تأثر اروپایی می‌رفت. مصالح اولیه این کار را نثر سادگی «طالب اوف» و «میرزا ملکم‌خان» و بعدها «یوسف اعتصام‌الملک» آماده ساخته بودند. در بین بعضی پیس‌های نویسندگی، ناکام رضا کمال شهرزاد نماینده‌ی یک شناسایی وسیع در ادبیات اروپایی دیده می‌شود از قبیل «عزیز و عزیزه»، «زرتشت» و «خسرو و شیرین» که در تهران نمایش داده شد.»

نیما یوشیج

فهرست مطالب

پیشگفتار

۹

مقدمه: از کودتا تا جنگ جهانی دوم

- ۱- اوضاع سیاسی و اجتماعی ۱۵
- ۲- اوضاع ادبی ۱۹
- ۳- سانسور (ممیزی) هنرهای نمایشی ۲۳

بخش اول: نمایش

۲۹

- ۱- مقدمه ۳۱
- ۲- گروه‌های نمایشی ۳۷
- ۳- کارگردان‌ها ۴۴

بخش دوم: اپرت‌نویسی

۵۱

- ۱- مقدمه ۵۳
- ۲- میرزاده‌ی عشقی ۵۵
- ۳- حبیب‌الله شهردار (مشیر همایون) ۶۳
- ۴- کلنل علی‌نقی وزیری ۷۱
- ۵- سایر اپرت‌نویسان ۷۷

بخش سوم: نمایشنامه‌نویسی

۹۹

- ۱- مقدمه ۱۰۱
- ۲- رضا کمال شهرزاد ۱۰۱
- ۳- گریگور یقیکیان ۱۱۵

۱۵۵	۴- سیدعلی خان نصر
۱۶۰	۵- سعید نفیسی
۱۶۷	۶- ارباب افلاطون کیخسرو شاهرخ
۱۸۴	۷- حسن مقدم
۱۸۹	۸- محمود آقاظهرالدینی
۱۹۳	۹- میرسیفالدین کرمانشاهی
۲۰۰	۱۰- صادق هدایت
۲۱۰	۱۱- ذبیح بهروز
۲۱۹	۱۲- زنان نمایشنامه‌نویس
۲۳۰	۱۳- سایر نمایشنامه‌نویسان
۲۴۵	۱۴- ترجمه و اقتباس نمایشنامه

۲۴۹	بخش چهارم: مباحث نظری و آموزشی
-----	--------------------------------

۲۵۱	۱- نقد مقالات نمایشی
۲۶۲	۲- مدارس آموزشی

۲۶۹	بخش پنجم: متون نمایشی
-----	-----------------------

۲۷۱	۱- رستاخیز شهبازان ایران (میرزاده‌ی عشقی)
۲۸۱	۲- جعفرخان از فرنگ آمده (حسن مقدم)
۳۱۹	۳- شب هزارویکم (رضا کمال شهرزاد)
۳۳۳	۴- جنگ مشرق و مغرب (گریگور یفیکیان)
۴۰۹	۵- آخرین یادگار نادرشاه (سعید نفیسی)
۴۳۵	۶- پروانه (حبیب‌الله شهردار)
۴۸۱	۷- عجب پکری (سیدعلی نصر)
۴۹۷	۸- در راه مهر (ذبیح بهروز)

کتابنامه

۵۲۷

نمایه

۵۳۳

پیشگفتار

در دو جلد اول و دوم ادبیات نمایشی در ایران نوشتیم که نمایش فرنگستان نخست از طریق مکتوب توسط «ترجمه و اقتباس» و سپس از طریق «اجرا» به ایران راه یافت. اما آنچه که چرخ نمایشنامه‌نویسی در ایران را به حرکت درآورد، نمایشنامه‌های «میرزاتحلی آخوندزاده» بود که نه تنها شیوهی نمایشنامه‌نویسی بلکه انتخاب مضمون را نیز به علاقمندان آموزش می‌داد.

مجموعه نمایشنامه‌های آخوندزاده در سال ۱۲۸۸ هجری قمری با ترجمه‌ی «میرزاجعفر قراچه‌داغی» از ترکی به فارسی ترجمه و منتشر گردید و این آثار کم‌دی‌هایی ساده بودند که حول مضامین اخلاقی - اجتماعی دور می‌زدند که طبیعتاً «خرافات» را به‌عنوان مهم‌ترین معضل اجتماعی آن روزگار مطرح می‌ساختند.

مهم‌ترین اثر انتشار آثار آخوندزاده، اما تشویق و ترغیب یک ایرانی فارس زبان بود برای نوشتن آثاری به سبک و سیاق نمایشی آخوندزاده. این شخص «میرزا آقا تبریزی» بود که بنابه گفته‌ی خودش با خواندن آثار آخوندزاده دست به قلم برده و نمایشنامه‌هایی با مضامین انتقادی - اجتماعی (و نه اخلاقی به سبک آخوندزاده) می‌نویسد و سنگ‌بنای نمایشنامه‌نویسی را در ایران بر زمین می‌نهد. آثار تبریزی اما به دلیل انتقادی بودن و به دلیل استبداد و ارتجاعی که در آن زمان بر ایران حاکم بود، بی‌نام‌ونشان نویسنده پخش می‌گردد و سبب می‌شود تا سال‌های زیاد آن آثار را از آن «میرزا ملکم‌خان» بدانند که اندیشمند و قلم‌زنی ناراضی بود که مقالات انتقادی سیاسی در آن دوران می‌نوشت و به دلیل زندگی کردن در خارج از ایران از شلاق و قلاده و تیغ جلادان حکومتی در امان بود.

با شروع انقلاب مشروطه و برقراری حکومت پارلمانی، فضای سیاسی - فرهنگی نویی در

کشور ایجاد می‌شود هرچند که استبدادیون هم‌چنان مراکز قدرت را در دست داشتند و دولت و پارلمان از خود اختیاری نداشتند. اما به‌هرحال این فضای شبه آزاد مشروطیت به گسترش هنر نمایش و نمایشنامه‌نویسی کمک بسیاری کرد تا به جایی که «میرزا رضاخان طباطبائی نائینی» نخستین روزنامه تیاتر ایران را انتشار داد و روشن‌فکران و مشروطه‌خواهان شروع به نوشتن نمایشنامه و تأسیس گروه‌های نمایشی کردند. گرچه این افراد شناخت چندانی از این هنر نداشتند و بیشتر به‌خاطر اهداف آموزشی - اجتماعی آن به این هنر گرایش پیدا کرده بودند و آن را یکی از وسایل «تجدد» برای مبارزه با جهل و اختناق می‌دانستند. مهم‌ترین خصیصه‌ی نمایش دوران مشروطه را باید در ستیز آن با استبداد دانست که در این کوشش کسانی چون «مزمین الدوله» و «محقق الدوله» تلاش بسیاری کردند و محقق الدوله نخستین گروه نمایشی ایران را با عنوان تیاتر ملی تأسیس کرد و نمایشنامه‌نویس لایقی همچون کمال‌الوزاره محمودی^۱ با آثارش به جنگ استبداد رفت و مجموعاً جامعه و دولت را متوجه مقوله‌ای به‌نام «نمایش» کردند تا جایی که حتی در مجلس شورای ملی آن زمان به بحث درباره‌ی فواید آن پرداختند و اگر مخالفت چند نفر نماینده‌ی مرتجع نبود قانون بلدیه (وزارت کشور) را موظف به حمایت و اشاعه نمایش در کشور می‌کرد. این وضعیت تا سال ۱۲۹۹ ادامه یافت، سالی که «رضاخان میرنچ» با کودتای خود بساط قاچارها و مشروطه را برهم چید و برای نمایش ایران هم صحنه‌ی دیگری را آماده ساخت.

چاپ جلد سوم از کتاب ادبیات نمایشی در ایران که به همین دوره‌ی حکومت رضاشاه پهلوی (۱۳۲۰-۱۳۹۹ هـ.ش) می‌پردازد، با تأخیر و تعللی چندساله انجام می‌شود. برای این تأخیر و تعلل دلایل زیادی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان در سه عامل خلاصه کرد: اول آن‌که پژوهشی با چنین حجم و وسعتی در هیچ‌کجای دنیا توسط یک نفر و با بودجه شخصی و بدون حمایت مالی و معنوی بنیادهای دولتی و خصوصی انجام نمی‌شود. همین امر توان هر پژوهشگری را اگر نه در ابتدای راه، حتماً در نیمه راه به پایان می‌برد. در ایران، متأسفانه و مکرر، سخنرانی‌های گوش‌نواز مسؤولان فرهنگی را در حمایت از پژوهش و پژوهشگر می‌شنویم بی‌آن‌که این سخنان از حد سخن فراتر روند. حتی مؤسساتی هم که عناوین و القابی چون پژوهشی و نمایشی و غیره را با خود یدک می‌کشند تنها به کار چاپ آثار آماده پرداخته‌اند و در واقع آن‌ها نیز بدل به دفاتر انتشاراتی دیگری شده‌اند. درحالی‌که این مؤسسات می‌بایست به تحقیقات در دست انجام کمک نموده و حتی خود سفارش کارهای تحقیقاتی نویی بدهند. حیرت‌آور این‌که مرکز هنرهای نمایشی و بخش انتشارات آن‌که خود را متولی نمایش کشور می‌دانند حتی یک‌بار تماس نگرفتند که سرنوشت این اثر چه شد و یا

این‌که تمایل به چاپ آن ابراز کنند.

عامل دیگر تأخیر چاپ این جلد، انرژی منفی بود (و هست) که مؤلف از طریق مقالات و کتاب‌هایی دریافت کرد که عمدتاً بر اساس ادبیات نمایشی در ایران نوشته شدند و نویسندگان برای پرده‌پوشی از سرقت خود حتی از نام بردن منبع در کتابنامه خودداری کردند. مدعای این امر محتوای خود این مقالات و کتاب‌ها است که بیشترین حجم آن‌ها فقط و فقط راجع به دو دوره‌ی قاجارها و مشروطه است که در ادبیات نمایشی در ایران به‌طور مفصل به آن‌ها پرداخته شده است. اطمینان دارم که بعد از چاپ جلد سوم، شاهد مقالات و کتاب‌هایی راجع به این دوره نیز خواهیم بود. اما گذشته از این ناسپاسی‌ها و سرقت‌ها، باید از استقبال خوبی هم یاد کرد که از این کتاب در جامعه ادبی و هنری شد. خصوصاً تأیید و تشویق اساتید بزرگواری چون ایرج افشار (فصلنامه تأثر، شماره ۹-۱۰، ۱۳۶۹، ص ۶۰) و فرخ غفاری (ویژه‌ی تأثر سوره، شماره ۲-۳، ۱۳۷۱، ص ۷۱) برایم از همه دلپذیرتر بود و سبب شد، تا کار را دوباره ادامه دهم. همین‌طور باید ذکر کنم از انتخاب جلد دوم ادبیات نمایشی در لیست «بهترین کتاب‌های تاریخ مشروطیت ایران» که به مناسبت یکصدمین سالگرد انقلاب مشروطیت ایران صورت گرفت (نگاه نو، ویژه‌نامه‌ی مشروطیت، ۱۳۸۵، ص ۱۱۱)

قصد دارم در پایان جلد چهارم، ضمیمه‌ای اضافه کنم تا اشتباهات، کاستی‌ها و یافته‌های جدید را درباره‌ی سه جلد چاپ شده ارائه دهم. همچنین مایل هستم تا تشکر کنم از دوستان و وابستگان نویسندگان و هنرمندان بزرگی چون حالتی، محسنی، زاهد، گرمسیری، نوشین، بایگان، فکری، مزین، دولت‌آبادی، ناهید و دقتی که آثار و مدارک بسیاری را در اختیارم قرار دادند. همچنین باید یادآوری کرد که سعی شده است تا شیوه‌ی نگارش نمایشنامه‌نویسان به سبک و سیاق خودشان حفظ شده و از تغییر آن خودداری شود.